

شهربانو مقنی باشی معلم مجله امام رضا (ع)
نگذاشت آموزش دانش‌آموزان در دوران جنگ متوقف شود

۵۴

وقتی خانه کلاس درس شد



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

معاون اجتماعی سازمان فرهنگی شهرداری مشهد در جمع اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۸ تاکید کرد
۳ لزوم پیگیری برای اجرایی شدن مصوبات

فاطمه جهان پروری از خاطره ازدواجش در ۵۵ سال قبل روایت می‌کند
۷ تغییر سرنوشت بعد خرید از خرازی

روایتی از چهارراه مقدم که با شور خودجوش اهالی ۳ محله به کانون اجتماعات شبانه تبدیل شد

۶ شب‌های روشن منطقه ما



از پیچ عبور کنند. این در حالی است که در کوشش ۵۲ سرعت کاهی هست که به خاطر آسفالت های متعدد شیبش کم شده و اثرش را از دست داده است.

● سرعت کاه برای این بولوار، ضروری است

فهمیه ساداتی نیاییکی دیگر از ساکنان حاشیه بولوار کوشش است. او که برای خرید روزانه از منزلش خارج شده است، می گوید: حدود پانزده سال است که در یکی از آپارتمان های حاشیه کوشش ۶۲ سکونت دارم. گاهی صدای ترمز موتورها و خودروها آن قدر بلند است که بچه هایم از خواب بیدار می پرند.

این شهروند محله قائم (ع) ادامه می دهد: این بولوار سرعت کاه ندارد و به همین دلیل بیشتر رانندگان آخر شب ها برای مسابقه به این خیابان می آیند؛ زیرا می توانند با نهایت سرعت تا انتهای بولوار رانندگی کنند. او با اشاره به سرعت کاهی که در کوشش ۵۲ وجود دارد، می افزاید: در این بولوار تنها یک سرعت کاه ساخته شده که آن هم خراب شده است. به نظرم این بولوار دست کم به یک کاهنده سرعت نیاز دارد.

● صدای ترمز حتی در معابر فرعی

صد بچه اکبرزاده در کوشش ۵۸ زندگی می کند و از صدای تردد شبانه خودروها شاکی است. او می گوید: اگر مسئولان یک شب رادر اینجا به صبح برسند، متوجه آنچه می گویم می شوند، به خصوص در شب ها که به دلیل سرعت زیاد خودروها بیشتر شاهد تصادف هستیم. او ادامه می دهد: در برخی از خیابان ها که نیاز به سرعت کاه ندارند، چندین مانع سرعت نصب شده است. حتی برخی از کوشش های فرعی هم سرعت کاه دارد. اما این خیابان عریض یک مانع دارد که آن هم از چند سال قبل صاف شده و نیاز به اصلاح دارد.

● بررسی برای اجرای سرعت کاه

موضوع را با مسئول امور حمل و نقل و ترافیک منطقه ۷ در میان گذاشتیم. او با بیان اینکه برای اجرای سرعت کاه در این بولوار به درخواست مردمی نیاز است، می گوید: باید اهالی محله نامه ای تهیه کنند و آن را به شهرداری ارائه بدهند. ما نیز بنا به درخواست مردمی موضوع را به سازمان مدیریت مهندسی شبکه حمل و نقل و ترافیک ارجاع می دهیم تا کارشناسان این سازمان آن را بررسی و دستور ساخت را صادر کنند.

امین علیزاده در باره مدت اجرای سرعت کاه در این بولوار می گوید: از هنگام درخواست تا اجرا حدود چهار تا پنج ماه زمان می برد. شهرا را محله این موضوع را در ماه های آینده پیگیری خواهد کرد.



● صدای گوش خراش ترمز

ماشین های پشت چراغ راهنمایی تقاطع قائم (ع) و بولوار کوشش ایستاده اند. به محض سبز شدن چراغ، رانندگان گویی قرار است در مسابقه ای شرکت کنند. پایشان را روی گاز می گذارند! خودروها یکی پس از دیگری با سرعت زیاد از مقابل چشممان عبور می کنند و در پیچ بولوار کوشش از نظر پنهان می شوند.

دوسالی می شود که رضا جمعه نیاساکن آپارتمانی مشرف به بولوار کوشش ۶۰ است. با او که هم کلام می شوم، می گوید: روزها از سرعت زیاد و شب ها از صدای ترمز و دستی کشیدن ماشین ها و موتورها طاقتمان طاق می شود.

او ادامه می دهد: خودروهایی که در این بولوار رفت و آمد دارند، چنان با سرعت حرکت می کنند که گاهی نمی توانند سرعتشان را کم کرده و از چراغ قرمز هم عبور می کنند. به همین دلیل در این مدت، شاهد تصادف های دلخراشی در این بولوار بوده ایم.

جمعه نیاساکن می گوید: این بولوار نیاز به سرعت کاه دارد تا خودروها قبل از رسیدن به چهارراه سرعتشان کم شود. از کوشش ۶۸ تا قبل از کوشش ۵۲ هم نیاز به سرعت کاه دیگری دارد تا خودروها آهسته

معابر انتهایی خیابان کوشش به دلیل نداشتن سرعت کاه به محل جولان خودروها تبدیل شده است

تخت گاز تا انتهای بولوار

سمیرا منشادی مدتی است ساکنان معابر انتهایی کوشش، دیگر تحمل شنیدن صدای ترمز. آن هم در ساعات آخر شب را ندارند. نبود سرعت کاه باعث شده است خودروها با سرعت سرسام آوری در این معابر تردد کنند. شهروندان در تماس با سامانه ۱۳۷ نیز درخواست کردند در این بولوار سرعت کاه نصب شود. بولوار کوشش به سمت هفت حوض که در چند سال اخیر بازگشایی شده است، مسیری عریض است که تردد خودروها در آن با سرعت زیاد جریان دارد.



هم قدم



بانوان هنرمند محله عسکریه روی صورت کودکان نقاشی کشیدند

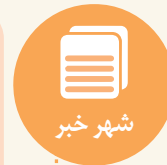
برای شادی بچه ها در «غدیر»

فرامرزی کودکان محله عسکریه در شب جشن عید غدیر، لحظات شادی را تجربه کردند. فعالان این محله، بانوان هنرمند را گرد هم آوردند تا با قلم مو و آبرنگ روی صورت پنجاه کودک، نقاشی فانتزی بکشند. برگزاری برنامه عید غدیر، در خلال تجمعات شبانه انجام شد که کودک و بزرگ سال را دور هم جمع می کند. کانون و هیئت مسجد امام حسن عسکری (ع)، کانون شهید غلامحسن نظرچانی، کانون حضرت معصومه (س) و پایگاه بسیج شهید محلاتی و همچنین شورای اجتماعی محله عسکریه دست اندرکار برگزاری جشن عید غدیر بودند.



تسریع در پیگیری درخواست های مردمی

شهردار منطقه ۷ برای بررسی مستقیم چالش های شهری، طبق روال هر هفته با جمعی از شهروندان دیدار و گفت و گو کرد. در این نشست درخواست های شهروندان در حوزه های شهرسازی، ضوابط نظارت بر ساخت و سازهای شهری، موضوعات فرهنگی و اجتماعی بررسی و دستورات لازم در چارچوب قوانین و مقررات صادر شد.



شهر خبر



تلاش مستمر ۱۰۰ پاکبان در عید غدیر

بیش از صد نفر از خادمان خدمات شهری منطقه ۷ هم زمان با برگزاری مراسم عید غدیر، با هدف تأمین نظافت، سامان دهی محیط و خدمت رسانی به شهروندان در نقاط مختلف این منطقه مستقر شدند. این نیروها با تلاش مستمر و حضور میدانی، وظیفه پاکیزه سازی معابر را بر عهده داشتند.

قدردانی «سفیران شهر بهشت» از پاکبانان رباط طرق

در راستای تکریم پاکبانان زحمتکش، مرکز خیریه «سفیران شهر بهشت» از سه نفر قدردانی کرد. در این راستا تلاش های بی دریغ مهدی یوسف زاده، حمید محمد جانی و حسن محمد جانی، پاکبانان شایسته و متعهد رباط طرق تقدیر شد. این اقدام، نشان دهنده توجه ویژه به نقش کلیدی نیروهای محلی در ارتقای فرهنگ خدمت رسانی و آبادانی شهر است.



معاون اجتماعی سازمان فرهنگی شهرداری مشهد در جمع اعضای شوراهای اجتماعی محلات منطقه ۸ تأکید کرد

لزوم پیگیری برای اجرایی شدن مصوبات

نجمه موسوی زاده | جلسه بررسی مصوبات شش ماهه دوم سال گذشته شوراهای اجتماعی محلات شهرداری منطقه ۸، با حضور مهدی ابراهیمی، معاون اجتماعی و مشارکت های سازمان فرهنگی شهرداری مشهد و مهدی حامدی، معاون فرهنگی شهرداری منطقه ۸ برگزار شد. در این جلسه، رؤسای شوراهای اجتماعی شش محله امام رضا^(ع)، سرشور، امام خمینی^(ع)، جنت، آبشار و شهید بهشتی مصوبات انجام شده و انجام نشده را مطرح کردند و گزارشی از روند پیگیری مصوبات ارائه دادند. مهم ترین موضوعی که در این جلسه توسط رؤسای شورا مطرح شد، معضل ترافیکی محلات بود.



تأکید بر پیگیری مصوبات

معاون اجتماعی و مشارکت های سازمان فرهنگی شهرداری مشهد بر اهمیت اجرای مصوبات شوراهای اجتماعی محلات تأکید کرد و گفت: در پایان هر جلسه شورای اجتماعی موضوعاتی برای اکثریت اعضا به تصویب می رسد که نیاز به پیگیری دارد. برخی از این مصوبات مربوط به شهرداری و برخی نیز مربوط به ارگان های دیگر است که با هماهنگی دبیر شورا و معاون فرهنگی منطقه نسبت به اطلاع رسانی و انتقال موضوع مکاتبه می شود. مهدی ابراهیمی افزود: تمام این مصوبات بعد از گذشت چند ماه باید بررسی شود که در چه مرحله ای قرار دارند آیا انجام شده اند و اگر انجام نشده دلیل آن چیست. رئیس شورا نیز باید با داشتن اطلاع کامل از روند مصوبات جلسه پیگیری اجرای این مصوبات در محله خود باشد.

مشکلات برجای مانده

رئیس شورای اجتماعی محله امام خمینی^(ع) در ادامه گفت: جلسات مشاوره پیش از ازدواج و شناسایی دانش آموزان بازمانده از تحصیل و همچنین افزایش گشت های کلانتری فیاض بخش برای تأمین امنیت اهالی از مصوبات اجرا شده این محله است. حسن اسماعیلی ادامه داد: اصلاح هندسی کوچه امام خمینی^(ع) ۷۳ و خطر تصادف دوربرگردان تقاطع امام خمینی^(ع) ۸۷ از مشکلاتی است که با وجود مصوبه شورا همچنان به قوت خود باقی مانده است.

چاره اندیشی برای معابر سرشور

رئیس شورای اجتماعی محله جنت توضیح داد: مرمت آسفالت معابر محله، هرس درختچه های دوربرگردان خیابان آخوند خراسانی، دیوارکشی ملک حدفاصل شهید دیالمه ۵ و تقاطع خیابان خسروی از مصوبات اجرا شده در محله است. محمد حیدری افزود: راه اندازی مجدد دفتر تسهیلگری جنت و اصلاح

طرح ترافیک خیابان خسروی از مصوبات اجرا شده در این محله است. رئیس شورای اجتماعی محله سرشور توضیح داد: بسیاری از کوچه های سرشور به دلیل عقب نشینی هایی که انجام نشده دارای کوچه های باریک و پرپیچ و خم است. اهالی تقاضا داشتند به دلیل کم عرض بودن کوچه ها و خطری که وجود دارد علمک های شرکت گاز در کوچه های چهنو ۱۴، چهنو ۸، چهنو ۳، ۸ و امام رضا^(ع) ۹ کوچه آرام ۵ جمع آوری شود که این مصوبه اجرایی شد.

علی قاسمی ادامه داد: ایمن سازی دیوار پرخطر ملک کوچه آیت... مصباح یزدی ۸، نصب راه بند در ورودی فرعی کوچه های امام رضا^(ع) و بازدید رئیس عمران و حمل و نقل و رئیس اداره فضای سبز از محله برای حل مشکلات نیز انجام شده است.

او افزود: پاک سازی و نظافت محوطه پارکینگ های طبقاتی نبش کوچه سرشور ۲۵، کوچه آیت... مصباح یزدی ۱۴ و کوچه امام رضا^(ع) ۹ و جمع آوری بولارهایی که در کوچه های سرشور ترافیک ایجاد می کنند از مصوباتی است که انجام نشده است.

فعال شدن خانه بهداشت در محله امام رضا^(ع)

احمد رضا احمدیان، رئیس شورای اجتماعی محله امام رضا^(ع)، فعال شدن خانه بهداشت در محله را از مهم ترین مصوبات شش ماهه سال گذشته عنوان کرد و توضیح داد: یکی از معضلات محله به دلیل تعداد بالای مهمانپذیرها، زباله است به همین دلیل در چند نقطه از محله از جمله کوچه فکه یک درخواست گذاشتن باکس زباله راداشته ایم که هنوز انجام نشده است.

شهرام تدین، رئیس شورای اجتماعی محله شهید بهشتی نیز از اجرای مصوبه شست و شوی خیابان نامجو هفته ای یک بار خبر داد و گفت: تخلیه سریع باکس های زباله به دلیل حجم بالای ساخت و ساز در محله ارائه آموزش های ایمنی توسط آتش نشانی به دانش آموزان خدمات از مصوبات انجام شده محله شهید بهشتی است.

خدمات شهری و فنی و عمران در صدر درخواست های مردمی



حوزه فنی و عمران

۶ تماس در این حوزه ثبت شد. یکی از شهروندان تقاضای مرمت آسفالت خروجی پارکینگ ترمینال را داشت. شهروندی درباره جدول شکسته کوچه امام خمینی^(ع) ۶۱ به شهردار گفت. بهسازی پیاده رو خیابان رازی شرقی درخواست شهروند دیگری بود. شهروندی از نشست زمین در کوچه امام خمینی^(ع) ۴۵ به شهردار اطلاع داد که مربوط به شرکت های خدماتی بود. شهروند دیگری نیز از نشست های متعدد در حکیم نظامی ۲۶ به دلیل حفاری شرکت آب و فاضلاب گفت و درخواست ورود شهرداری برای آسفالت را داشت. شهروندی از آب جمع شده در جوی های خرمشهر ۱۵ و بوی نامطبوع آن به دلیل اشکال ساختاری شیب جوی آب گلایه کرد.



تماس های غیرمرتبط

۲ تماس غیرمرتبط ثبت شد که مربوط به پلیس راهور و محدوده منطقه ۷ شهری بود.



حوزه فضای سبز

یک مورد از تماس ها در حوزه فضای سبز بود. شهروندی تقاضای آبیاری درختان در خیابان رازی شرقی را داشت.



حوزه خدمات شهری

۶ تماس در این حوزه ثبت شد. یکی از شهروندان درخواست شست و شوی سطل زباله در خیابان ملک الشعراء بهار را داشت. دو شهروند از بوی نامطبوع جوی آب گلایه کردند که یک مورد مربوط به کوچه امام رضا^(ع) ۴۳ و دیگری بین کوچه های امام خمینی^(ع) ۱۴ و ۱۶ بود. شهروندی خواستار نظافت کوچه جهان آرای ۵ شد. همچنین شهروندان از زیاد شدن موش در خیابان امام خمینی^(ع) (ره) و نظافت نشدن حاشیه دیوار پادگان در بولوار شهید نامجو گلایه کردند.

نجمه موسوی زاده | حسن صالحی مفرد، شهردار منطقه ۸، به مدت ۹۰ دقیقه به صورت مستقیم در سامانه ارتباط مردمی ۱۳۷ پاسخگوی درخواست ها و مسائل مطرح شده شهروندان بود.

در این برنامه، مهدی حامدی معاون فرهنگی و ابوالقاسم عابدینی رئیس اداره خدمات شهری، سبحان ضیایی رئیس اداره عمران و حمل و نقل، مهدی مقدم رئیس اداره فضای سبز و سید سعید موسوی بزاز، مسئول امور ترافیک نیز حضور داشتند.

در این نوبت، ۱۵ تماس مردمی ثبت شد که بیشترین درخواست ها و مطالبات شهروندان مربوط به حوزه های فنی و عمران و خدمات شهری بود.



شهرآرامحله پیگیری می کند

شهرآرامحله موضوع وضعیت نامناسب جوی های آب خیابان خرمشهر را پیگیری می کند.



۱۳۷





شهربانو مقنی باشی معلم محله امام رضا (ع)
نگذاشت آموزش دانش آموزان در دوران جنگ متوقف شود

وقتی خانه کلاس درس شد



نجمه موسوی زاده لباس های فرم سرمایه ای و آبی به تن دارند و روی فرش، روبه تخته ای کوچک نشسته اند و چشم از معلم بر نمی دارند. یکی دفترش را روی زانو گذاشته است و مشق می نویسد. دیگری دستش را بالا برده است تا جواب سؤال را بگوید. گفت و گوی بین آن ها و معلم، فضای خانه را شبیه کلاس درس کرده است؛ کلاسی که این بار نه در مدرسه، که در خانه یکی از والدین برپا شده است.

شهربانو مقنی باشی، معلم بازنشسته محله امام رضا (ع)، ۳۲ سال سابقه تدریس دارد. او با شروع جنگ تحمیلی سوم و پس از طولانی شدن آموزش مجازی، تصمیم گرفت کلاس درسش را به صورت حضوری برگزار کند تا دانش آموزان از درس عقب نمانند. این طور شد که او با وجود برخی ناملایمات های جسمی در سن ۵۴ سالگی سه روز در هفته، راهی خانه یکی از دانش آموزانش می شد تا آموزش را در شرایطی متفاوت برای بچه ها ادامه دهد.



تا خودش را به مدرسه برساند، به اداره بهزیستی شهرستان قائن رفت. بارها با مسئولان آنجا صحبت کرد تا اینکه توانست برای دانش آموزش یک ویلچر تهیه کند. لبخندی می زند و می گوید: روز اولی که با ویلچر به کلاس آمد، هر دو خوشحال بودیم. خیالم راحت شده بود که او راحت در کلاس حاضر می شود.

سختی های مسیر

شهربانو خانم تا سال ۷۷ در این روستا تدریس کرد. مسیر ۲۴ کیلومتری را در زمستان به سختی می رفت تا به دانش آموزانش درس بدهد. قله کوهی که روز اول دیده بود در زمستان همان سال اول نشان داد که معلمی شغل ساده ای نیست؛ برف روی کوه می نشست و موتور نمی توانست مسیر کوه را بالا برود. پدرم پایین جای موتور می ایستاد و حواسش به من بود که آرام و آهسته از روی برف های کوه بالای رستم، از طرفی پدر یکی از دانش آموزانم بالای کوه می ایستاد تا از آنجا مرا به مدرسه ببرد. هر وقت برف سنگین بود یا هوامساعد نبود در روستا می ماند اما وقتی هوا خوب بود با همکارش پیاده به سمت شهر راه می افتادند؛ گاهی در مسیر تراکتور یا وانتی ما را سوار می کرد و تا مسیری می برد. یادم است یک بار در مسیر باران می بارید. وانتی ایستاد تا ما را برساند. پشت وانتش پیرازگوسفند بود و من و همکارم بین گوسفند هانشستیم تا زیر باران خیس نشویم. بعد از هفت سال تدریس در نهضت، سال ۷۷ به عنوان معلم ابتدایی در شهرستان زیرکوه بخش قائنات استخدام آموزش و پرورش شد؛ سال قبل در این شهرستان زلزله شدیدی آمده و مدرسه خراب شده بود؛ به همین دلیل کلاس های درس در کانکس برگزار می شد. یک ماه از سال تحصیلی نگذشته بود که هوا بسیار سرد شد. وقتی در کلاس می دیدم دستان بچه ها از سرما قرمز شده و نمی توانست درست مشق بنویسند، حس خوبی نداشتم. گاهی در کلاس با آن هانرمش می کردم تا گرمشان شود. او ادامه می دهد: دو هفته بعد، دور کانکس را دیوار چینی کردند تا کمی جلوسرمای هوا را بگیرند و مدتی بعد هم بخاری آوردند تا بچه ها سرما نخورند.

رؤیایی که ادامه یافت

دوستان شهربانو خانم تصمیم گرفتند در نهضت سواد آموزی به عنوان معلم ثبت نام کنند و از او نیز خواستند همراهشان بروند؛ علاقه ای به معلمی در نهضت نداشتم؛ برای همین روزی که قرار بود با وانت برای ثبت نام بروند، با آن هانرفتم، غافل از اینکه آن ها اسم مرا هم نوشته بودند. وقتی این موضوع را برای خانواده ام تعریف کردم، پدرم مرا تشویق کرد راه معلمی را انتخاب کنم.

۳۰ شهریور ۱۳۷۰ او در قامت یک معلم به روستای کلاته سری رفت. این روستا ۲۴ کیلومتر از شهرشان فاصله داشت و بیشتر اوقات پدرش او را با موتور می برد و می آورد؛ «روز اول بابای یکی از همکارانم، ما را با ماشین کمپرسی اش برد. آنجا متوجه شدم که باید از یک کوه بالا برویم؛ کوهی که قطعا در سال تحصیلی دردسرسازی می شد.»

معلم نهضت شده بود و باید به چند بزرگ سال، پایه اول و دوم را تدریس می کرد. مدیر مدرسه به شهربانو پیشنهاد کرد در کنار نهضت به بچه های پایه چهارم نیز درس بدهد؛ «چون هنوز نتوانسته بودند برای این پایه معلم پیدا کنند، سه ماهی تدریس کردم. با اینکه مدیر همچنان مصر بود خودم تدریس را ادامه دهم، نمی دانم چرا قبول نکردم و معلم جدید آمد.»

فراتر از درس دادن

از سال بعد در کنار تدریس در نهضت، معلم پایه های تحصیلی اول، دوم و پنجم نیز شد؛ «تعداد بچه های روستا بسیار کم بود. ۹ دانش آموز در کلاس بودند که در سه پایه مختلف درس می خواندند. بین آن های یکی از شاگردانم پسر بچه معلولی بود که کیسه های پارچه ای به زانوهایش می بستند و در دو دستش کفش می کرد تا بتواند به شکل سینه خیز خودش را به مدرسه برساند.»

مادر این دانش آموز، رختخواب کوچکی در گوشه کلاس گذاشته بود تا او راحت بتواند درس بخواند؛ «وقتی می دیدم این بچه با چه مشقتی به کلاس می آید به او می گفتم بگذار بعد از ساعت مدرسه من به خانه شما می آیم و درس را به تو یاد می دهم ولی او می خواست در مدرسه و کنار بچه های دیگر درس بخواند.»

شهربانو خانم که این پسر را می دید که چطور از یک ساعت قبل راه می افتد

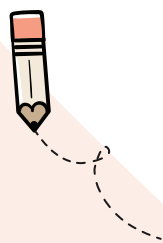
کلاس درس خیالی

شهربانو خانم تصویری زیبا از بچگی اش در شهر خضری دشت بیاض به یاد دارد. موقعی که کلاس چهارم و پنجم دبستان بود، بالش و متکاها را به ردیف می چید تا این اشیاء، شاگردان خیالی اش باشند و او بتواند به آن ها درس بدهد. تعریف می کند: برای اینکه درس را بهتر یاد بگیرم، این کار را انجام می دادم. کاغذی را روی دیوار می چسباندم و به متکا های خانه درس می دادم.

با این همه وقتی دیپلمش را گرفت و در دانشگاه رشته تربیت بدنی قبول شد، تصمیم گرفت به جای دانشگاه با دختر عمه اش که هم سن و سال بودند، مسیر جدیدی را امتحان کند؛ «آن موقع حال و هوای معلمی از سرم افتاده بود و می خواستم به مشهد بروم تا با دختر عمه ام آرایشگری یاد بگیرم اما سرنوشت برایم به گونه دیگری رقم خورده بود.»



سال‌های اول تدریس
شهربانو مقنی‌باشی



دانش آموزان قرار داد: «همسر این خانم بیشتر ساعت‌های روز سر کار است و خودش هم فقط یک دختر دارد. وقتی پیشنهاد مطرح کرد، قبول کردم. تنها شرط من این بود که والدین رضایت داشته باشند و بچه‌ها با رضایت نامه در کلاس حاضر شوند.»

وجدانم اجازه نمی‌دهد!

شهربانو خانم با وجود زانو درد و توصیه پزشک مبنی بر پرهیز از بالا رفتن از پله‌ها به دلیل پارگی مینیسک، سه روز در هفته به منزل این دانش آموز می‌رود تا دو ساعت به دانش آموزانش درس بدهد؛ «پاهایم درد می‌گیرد، اما وجدانم اجازه نمی‌دهد بچه‌ها را به حال خودشان رها کنم. روز اول از ۳۴ دانش آموز کلاس فقط یازده نفر آمده بودند و برای بقیه به صورت آنلاین درس دادم، اما از چند روز بعد تعداد دانش آموزان بیشتر شد.»

در هفته آخر، تعداد دانش آموزانی که در این کلاس خانگی حضور پیدا می‌کردند به ۲۷ نفر رسید. به گفته این معلم، بیشتر غایبان، یا چند فرزند دانش آموز دارند یا مسیر منزلشان تا محل برگزاری کلاس طولانی است. شهربانو خانم تخته کوچکی دارد که آن را به دیوار تکیه می‌دهد و کلاس درست شبیه روزهای مدرسه آغاز می‌شود. بچه‌ها دور هم می‌نشینند، سؤال می‌پرسند و پای تخته می‌آیند. اومی گوید: «ریاضی درسی نیست که فقط با فیلم و جزوه، آموخته شود. بچه‌ها باید تمرین کنند، سؤال بپرسند و اشکالشان همان لحظه برطرف شود.»

این فرهنگی بازنشسته می‌گوید: همه دانش آموزان امکان استفاده مداوم از اینترنت ندارند. بعضی خانواده‌ها چند فرزند دانش آموز دارند و تهیه بسته‌های اینترنتی برایشان هزینه بر است. بعضی‌ها هم اینترنت مناسبی در اختیار ندارند و بخشی از کلاس را از دست می‌دهند. دلم نمی‌خواست شرایط اقتصادی خانواده‌ها باعث شود بچه‌ها از درس عقب بمانند. اومی گوید خستگی راه و درد زانو در برابر نگرانی‌اش برای دانش آموزان اهمیت چندانی ندارد؛ «این بچه‌ها امانت خانواده‌هاست ما هستیم. اگر چند هفته از درس دور بمانند، جبران برایشان سخت می‌شود. در این شرایط، من فقط سعی کردم نگذارم آموزششان متوقف شود.»

شاید جلسات اول، برای دانش آموزان، این نوع آموزش عجیب بود؛ اینکه کلاس در فضای خانه برگزار می‌شود، اما به مرور با شرایط جدید کنار آمدند و حتی انگیزه بیشتری پیدا کردند. مقنی‌باشی می‌گوید همراهی خانواده‌ها نقش مهمی در ادامه این روند داشته است و اگر شرایط مشابهی پیش بیاید، او باز هم برای درس دادن حضوری به بچه‌ها آماده است؛ چون مهم‌تر از هر چیز این است که بچه‌ها از درس عقب نمانند.

ندارد و خوشحالم که توانستم قدم کوچکی برای یادگیری آن‌ها بردارم.

صادقی ادامه می‌دهد: خانم مقنی‌باشی معلمی دلسوز است که با جان و دل برای تدریس به بچه‌ها وقت می‌گذارد. بارها موقع تدریس مجازی می‌شنیدم که چطور درس زندگی به بچه‌ها می‌دهد. هنگامی که موضوع تدریس در خانه را با او مطرح کردیم، با روی باز قبول کرد و با اینکه خانه ما طبقه دوم است و او مشکل زانو درد دارد، بدون اینکه ذره‌ای سرزنش کند، از پله‌ها بالا می‌آید.

ارزمان زاده، این معلم را تحسین می‌کند و می‌افزاید: بعد از پایان سال تحصیلی نیز او گروهی را که در فضای مجازی درست کرده بود، تعطیل نکرد و تا شهریور ماه، هفته‌ای یک یا دو بار برای بچه‌ها نمونه سؤال و فیلم آموزشی می‌فرستاد تا با تمرین و تکرار، درس را فراموش نکنند.

که از صبح زود تا شب سرکار است و از طرفی ساختمانی که در آن زندگی می‌کنیم، خانوادگی و متعلق به خودمان است؛ بنابراین مادران برای حضور دخترانشان در منزل ما مشکلی نداشتند. او مبل‌های خانه را کنار کشیده است تا بچه‌ها راحت بنشینند. مهدیه خانم توضیح می‌دهد: برخی از مادران پیشنهاد می‌دادند باتوجه به شرایط که ما داریم، این مسئولیت را قبول نکنم اما حضور بچه‌ها هیچ آزار و آذینی

تعطیل شد، مدام نگران بودم که یک بچه پایه اول، چطور می‌تواند از طریق مجازی باسواد شود. او ادامه می‌دهد: خانم مقنی‌باشی آن قدر خوب از طریق فضای مجازی با بچه‌ها کار می‌کرد که دلمان گرم شد. او حتی جشن الفبا را برای بچه‌ها در همین فضای مجازی برگزار کرد.



اهالی روستا حکم خانواده را داشتند

یک سال بعد، ازدواج کرد و چون همسرش نیز فرهنگی بود، هر دو در روستاهای اطراف شهرستان قائن برای تدریس ماندند؛ «برخلاف تصور همه که زندگی در روستا دوست ندارند، بهترین خاطرات من به دوران خدمت در روستا برمی‌گردد. موقعی که مهربانی روستایی‌ها و احترامی را که برای معلم قائل بودند، می‌دیدم، دلم نمی‌خواست آن‌ها را ترک کنم و به شهر بروم.»

شهربانو خانم که خاطرات آن روزها را مرور می‌کند، می‌گوید: در روستا برق، آب لوله‌کشی و بسیاری از امکانات رفاهی نبود اما محبت مردم، همه این کمبودها را جبران می‌کرد. اگر کسی مهمانی داشت، از مکه آمده بود یا عروسی و دامادی داشت، اول مارادعوت می‌کرد. کافی بود بفهمند ناخوش احوال هستیم؛ چندین بار در روز سر می‌زدند؛ غذای آوردند و همانند یک خانواده در کنار ما بودند.

او تا سال ۹۱ و به مدت ۲۱ سال در روستاها خدمت کرد تا اینکه به شهرستان قائن رفت؛ «از همان دوران جوانی هر وقت به مشهد می‌آمدم، دلم می‌خواست همسایه امام رضا^(ع) باشم. چند بار با همسرم درخواست انتقالی به مشهد دادیم ولی موافقت نمی‌شد تا اینکه سال ۹۴ با درخواست هر دو ما موافقت شد و به آرزویمان رسیدیم.»

مهر سال ۱۴۰۳ بعد از هفت سال معاونت

وقتی خانه تبدیل به مدرسه شد

او که در دوران کرونا تجربه تدریس مجازی را پشت سر گذاشته بود، با تعطیلی چند باره مدارس به دلیل آلودگی هوا از ابتدای سال تحصیلی، کلاس‌هایش را در نرم افزار «شاد» برگزار می‌کرد. اما با آغاز جنگ تحمیلی سوم و اختلال در اینترنت، به این نتیجه رسید که ادامه این وضعیت به روند یادگیری دانش آموزان آسیب می‌زند و نمی‌توان برای مدت طولانی، آموزش را فقط به فضای مجازی سپرد.

شهربانو خانم می‌گوید: اول فکر کردیم می‌توانیم مثل قبل کلاس‌ها را به شکل مجازی ادامه دهیم، اما با طولانی شدن شرایط، دیدم بچه‌ها از درس عقب می‌مانند. باهماهنگی والدین، چند روزی در خود مدرسه کلاس برگزار کردیم، ولی به دلیل اتفاقی که برای بچه‌های میناب افتاده بود و بخشنامه آموزش و پرورش، امکان حضور در مدرسه وجود نداشت. همان موقع چند نفر از والدین پیشنهاد کردند اگر موافق باشیم، کلاس را در منزل یکی از آن‌ها برگزار کنیم.»

یکی از مادران که نماینده کلاس بود، خانه خود را برای این کار در اختیار

یک خانه، یک کلاس

مهدیه صادقی، مادر حسانه نوری، نماینده اولیا و کسی است که خانه‌اش را در اختیار دانش آموزان قرار داده تا کلاس در سه هفته پایان سال تحصیلی به شکل حضوری برگزار شود. او با اینکه پنج ماهه باردار است، فضای خانه‌اش را برای حضور ۳۴ دختر بچه آماده کرده است. می‌گوید: شغل همسرم طوری است

آموزشی که متوقف نشد

دختر میترا ارزمان زاده، شش سال پیش، دانش آموز مقنی‌باشی بوده است. او از روزهای متفاوت درس خواندن دخترش در کرونا می‌گوید: سال ۹۸ دخترم کلاس اول بود. از اسفند آن سال که مدارس به دلیل شیوع بیماری کرونا



روایتی از چهارراه مقدم که با شور خودجوش اهالی ۳ محله به کانون اجتماعات شبانه تبدیل شد

شب‌های روشن منطقه ما



راه تجربه

سمیرا منشادی اپرچم هادوسوی خیابان راه هم دوخته اند و تونلی از پارچه‌های رنگی شکل گرفته است و هر شب، خودروهای عبوری با بوق‌های کوتاه و تکان دادن دست، حس و حال خویشان از دیدن این همه رنگ را به دیگران نشان می‌دهند. پیش از نود شب است که چهارراه مقدم، درست مقابل شهرداری منطقه ۷، فقط یک تقاطع ساده

برای عبور و مرور نیست. اینجا حالانقبض تپنده شب‌های سه محله پروین اعتصامی، کوی پلیس و مقدم است. پیش از نود شب پایداری در سرما و گرما؛ نود شب ایستادن پای آرمانی که حالابه بخشی از زندگی شبانه اهالی تبدیل شده است. بوی اسپند با صدای موسیقی حماسی درهم آمیخته و فضای پیاده‌رو را پر کرده است.

شلوغی جمعیت، بانوعی انتظار شیرین گره خورده است. جایگاهی ساده با پارچه‌های سفید و گل‌های تازه، برپا شده و مردم نه فقط به عنوان شنونده که به عنوان میزبان، منتظر ورود عروس و دامادی هستند که می‌خواهند شروع زندگی‌شان را درست در قلب این اجتماع مردمی جشن بگیرند.

ادامه یافتن حال خوب مردم

هر چه به ساعت ۲۱ نزدیک‌تر می‌شویم، جمعیت بیشتر می‌شود. کوچک و بزرگ، پرچم سه رنگ ایران را در دست دارند و مقابل تریبون یا غرفه‌هایی که در کنار شهرداری منطقه ۷ برپا شده است، منتظر شروع برنامه‌ها هستند. حضور بانوان و دختران چشمگیر است؛ زنانی که پایه پای مردان، شب‌های طولانی این اجتماع را زنده نگه داشته‌اند. دو دختر نوجوان با استکان‌های چای و پرچم روبه روی چای‌خانه نشسته‌اند و مشغول سلفی گرفتن با جایگاهی هستند که به مناسبت ازدواج زوج جانفدا باگل و پارچه‌های سفید تزئین شده است. سهیلا عطارزاده و زیبا پوراآقادوست و همسایه هستند و به اتفاق مادرهایشان در بیشتر شب‌ها در اجتماعات چهارراه مقدم شرکت کرده‌اند. سهیلا که این روزها خودش را برای امتحانات کلاس یازدهم آماده می‌کند، می‌گوید: به دلیل جنگ اضطراب داشتم و دوستم که از قبل با غرفه مشاوره اینجا ارتباط گرفته بود، مرا به این تجمع آورد. حالا حدود یک ماه و نیم است که علاوه بر گرفتن مشاوره در تجمع هم شرکت می‌کنم. او می‌گوید: حضور مادر این اجتماعات به دشمن نشان داد که ما نسل جدید برخلاف تصویرهایی که وجود دارد، پشت رهبرمان هستیم.



ازدواج با برکت

مشغول گفت‌وگو با مردم هستیم که ماشین عروس زوج جانفدا در محل تجمع متوقف می‌شود. ریتم موسیقی شادتر شده و صدای هلهله، دست و سوت جمعیت بلند می‌شود. داماد، لباس نظامی به تن و اسلحه در دست و عروس با چادر دسته‌گلی زیبا، هم‌قدم با هم، به جایگاه می‌آیند. روحانی که مجری برنامه هم هست، از ازدواج جوانان می‌گوید و از خانواده‌هایی خواهد برای شروع زندگی جوانان سخت‌گیری نکنند. پدر و مادر عروس به روی سن دعوت می‌شوند. آن‌ها ضمن آرزوی خوشبختی برای همه جوانان، هدیه‌ای به عروس و داماد می‌دهند و حالا این مردم مهربان و هم‌محله‌ای‌ها هستند که هدایای خود را به این زوج تقدیم می‌کنند.

۳ محله پای کار

حجت‌الاسلام والمسلمین حجت صباغیان، مسئول گروه «جبهه مردمی فدائیان اسلام»، از همان روزی که رهبر معظم انقلاب آیت‌الله العظمی سید مجتبی خامنه‌ای، فرمان حضور در خیابان را دادند، پای کار بوده است. او درباره تشکیل این جبهه توضیح می‌دهد: در تمام شهر، مساجد، تشکل‌ها و هیئت‌ها به صورت پراکنده و بدون خبر از یکدیگر مشغول فعالیت‌های موازی هستند. ما از همان روز اول تصمیم گرفتیم با تشکیل یک گروه مردمی که شامل حدود ۲۵ مسجد، هیئت و تشکل مردمی از سه محله پروین اعتصامی، کوی پلیس و مقدم است، پای کار اجتماعات شبانه باشیم. با همفکری اسم تشکل‌مان را جبهه مردمی فدائیان اسلام گذاشتیم. او با اشاره به مشارکت هر ۲۵ گروه در فعالیت‌های شبانه اجتماعات می‌افزاید: برنامه‌ها با کیفیت بسیار مناسبی در این سه ماه برگزار شده است. تقدیر از معلم‌ان محله، خادمان در ده کرامت، نیروهای نظامی و مسلح محله، بسیجیان حوزه ۷ مقدار، بخشی از برنامه‌ها بوده است. همچنین برای روشنگری افکار عمومی از حجج‌الاسلام نظافت، ایزدخواه، پژمان فرد، دکتر اخلاقی نماینده مجلس و مداحان و راویان کشوری دعوت کردیم.

صباغیان ادامه می‌دهد: اجرای گروه سرود «خورشید هشتم»، اجرای حاجی دوقلو (حجج اسلام دهقانی)، اجرای نمایش و تئاتر

و... از جمله برنامه‌های این مدت بوده است. البته به مناسبت اعیاد و عزاداری‌ها مدیحه‌سرایی و مولودی و توزیع نذورات و همچنین هر شب پذیرایی شام نیز برقرار بوده است.

مسئول گروه، جبهه مردمی فدائیان اسلام، بابیان اینکه تصمیم‌گیری برای اجرای برنامه در این گروه با مشورت و هم‌اندیشی همه اعضا انجام می‌شود، می‌افزاید: هم‌اندیشی و هم‌افزایی مهم‌ترین دستاوردی است که در این شب‌ها توانستیم به دست آوریم. اجرای برنامه‌های مناسب و دعوت از افراد سرشناس برای حضور در برنامه نیز از برکات گرد همایی گروه‌ها در کنار هم است.

از ظرفیت نوجوانان باید استفاده کرد

محمد صادق تیموری، مسئول غرفه‌ها و فرمانده بسیج مسجد امام علی^(ع) کوی پلیس است. از دو ماه قبل با همکاری چند پایگاه دیگر غرفه‌ها را به راه انداخته است که شامل کافه گفت‌وگوی بانوان و آقایان، غرفه اقتصاد مقاومتی، غرفه آینده‌سازان و غرفه بازی است که به تازگی به این مجموعه اضافه شده است. تیموری می‌گوید: با همفکری به این نتیجه رسیدیم که باید برای کودکان و نوجوانانی که به این تجمعات می‌آیند، برنامه‌ای داشته باشیم. از این رو غرفه‌هایی راه‌اندازی کردیم و خدمات مختلف از جمله مشاوره تحصیلی و فردی ارائه می‌کنیم. فرمانده پایگاه بسیج مسجد امام علی^(ع) می‌افزاید: همچنین در غرفه نوجوانان که «آینده‌سازان» نام‌گذاری شده است، علاوه بر بازی و سرگرمی در بحث سواد رسانه‌ای و استفاده از فضای مجازی، به رفع شبهات می‌پردازیم. در غرفه اقتصاد مقاومتی هم میزها به رایگان در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که نیاز به حمایت اقتصادی دارند تا محصولات فرهنگی خود را به فروش برسانند. او می‌گوید: خطبه‌خوانی نهج البلاغه و گفت‌وگو در این زمینه و نیز داستان‌خوانی و اجرا و تمرین سرود توسط نوجوانان و جوانان از دیگر برنامه‌های گروه است.

تیموری بیان می‌کند: هر شب به طور متوسط پنجاه نفر از بانوان پایگاه‌های بسیج سه محله در این غرفه‌ها همکاری می‌کنند. وی می‌افزاید: تلاش کرده‌ایم از ظرفیتی که این شب‌ها در اختیارمان گذاشته‌اند، بیشترین بهره‌رایی را ببریم تا نوجوانان و جوانان را به مساجد جذب کنیم. از این رو کارت‌های امتیاز در نظر گرفته‌ایم و به آن‌هایی که بیشترین امتیاز را دریافت کرده‌اند، جایزه نقدی اهدا می‌شود.





فاطمه جهان پروری از خاطره ازدواجش در ۵۵ سال قبل روایت می‌کند

تغییر سرنوشت بعد خرید از خرازی



کلی دعوایم کرد که چرا این قدر رفته ام و سراغ زغال و تنباکو و... را از او گرفته ام. تازه آن موقع بود که فهمیدم آن مهمان ها برای خواستگاری آمده بودند.

● ازدواج با سادگی

چند روز بعد، خانواده داماد دوباره به خانه شان آمدند و مقدمات عقد فراهم شد. مطابق رسم آن روزها، عروس و داماد پیش از عقد یکدیگر را نمی‌دیدند. فاطمه جهان خانم هنوز اولین باری که همسرش را دید، خوب به خاطر دارد.

او برایمان می‌گوید: کنار همسرم روی صندلی نشسته بودم. قدم کوتاه بود و پاهایم به زمین نمی‌رسید. برگشتم و برای اولین بار او را دیدم. مردی قد بلند و چهارشانه بود. از او ترسیدم و خجالت کشیدم. ازدواج آن ها با سادگی کامل برگزار شد. مهریه فاطمه جهان خانم ۴۰۰ تومان بود و از مراسم پرخرج و تشریفات سنگین، خبری نبود. حالا سال ها از آن روزها گذشته است. مردی که روزی برای نخستین بار کنار او روی صندلی عقد نشست، دیگر در کنارش نیست. اما خاطرات زندگی مشترکشان همچنان در ذهن فاطمه جهان خانم زنده است. او با اینکه زندگی شیرینی را از سر گذرانده، معتقد است نمی‌توان بر اساس مدل ازدواجش برای نسل امروز، نسخه‌ای پیچید: «حالا زمانه تغییر کرده است؛ دختر و پسرها فهمیده تر هستند و بهتر است در سن مناسب و با شناخت کامل با هم ازدواج کنند.»

می‌آورم. خیلی دور نیست. مغازه پدرم تا خرازی فاصله کمی داشت. صاحب مغازه اسم پدرم را پرسید و با لبخند گفت «نمی‌دانستم حاج محمد حسین آهنگر، دختری به این سن دارد.» پول را از پدرم گرفتم و به مغازه دار دادم و برگشتم منزلمان.

همان مرد، پدر شوهر آینده اش شد؛ مردی که در همان دیدار کوتاه، او را برای پسرش که در مشهد خدمت نظامی می‌کرد، پسندیده بود. عصر آن روز، مادر و خواهر داماد به خانه آن ها آمدند. اما فاطمه جهان خانم آن قدر کم سن و سال بود که اصلا متوجه موضوع نشد.

او می‌گوید: قدیم هارسم بود دختر برای خواستگار قلیان آماده کند. مادرم گفت همین کار را انجام بدهم. من هم که دلم می‌خواست زودتر برگردم سر بازی، حوصله نداشتم دنبال وسایل بگردم. چند بار به اتاق رفتم و از مادرم سراغ وسایل را گرفتم. دست آخر قلیان را آماده کردم. بعد هم رفتم پی بازی ام. میهمان ها که رفتند، مادرم



سبیرا منشادی اوقتی صحبت از خواستگاری و ازدواج به میان می‌آید، لبخندی روی صورتش می‌نشیند. انگار خاطرات سال های دور، یکی یکی در ذهنش ورق می‌خورد. فاطمه جهان پروری که ۷۳ بهار را پشت سر گذاشته است، یکی از ساکنان محله کوی پلیس و یکی از همان دختران سال های دور، از داستان ازدواجش برایمان می‌گوید وقتی در سیزده سالگی راهی خانه بخت شد.

● خریدی که به خواستگاری ختم شد

فاطمه جهان خانم بیش از ۵۵ سال پیش با مرحوم اسماعیل علاقیندا ازدواج کرد. همسرش در سال ۱۴۰۳ فوت کرد و او این روزها در کنار فرزندانش روزگار می‌گذراند. هر زمان که به خاطرات زندگی مشترکشان فکر می‌کند، هنوز برایش زنده و شیرین است. در قوچان به دنیا آمد و همان جا بزرگ شد. در آن سال ها، بسیاری از خانواده ها اعتقاد داشتند دختران بیش از هر چیز باید سواد قرآنی داشته باشند و مهارت های خانه داری را یاد بگیرند. پدر او نیز همین عقیده را داشت و مدرسه رفتن را برای دخترش ضروری نمی‌دانست.

در عوض، یادگیری گل دوزی و خیاطی را برای آینده او واجب کرده بود. به همین دلیل، فاطمه جهان خانم راهی کلاس های گل دوزی شد، بی آنکه بداند همین هنر، سرنوشت زندگی اش را تغییر خواهد داد.

او تعریف می‌کند: برای گل دوزی و وسایلی نیاز داشتم. به تنها خرازی محله رفتم و وسایلم را خریدم. پنج زار کم داشتم. به مغازه دار گفتم الان می‌روم از پدرم بقیه پول را می‌گیرم و

نوجوان محله امام رضا^(ع)، حضور در اجتماعات شبانه را مسئولیت اجتماعی می‌داند

روزهای حماسی در نوجوانی

امید محله

می‌کنم، از سر دادن شعارها و پرچم گردانی گرفته تا حضور در کاروان های خودرویی. گاهی هم در آماده سازی و نوشتن پلاکارد ها کمک می‌کنم. ولی بیشتر اوقات در غرفه کودک کمک می‌کنم.

● فعالیتت در غرفه کودک چیست؟

از همان روزهای اول که این غرفه راه اندازی شد برای آماده سازی و چیدمان آن حضور داشتم. بعد از آن هم همراه چند نفر از دوستانم سعی کردیم برای کودکانی که به غرفه مراجعه می‌کنند، برنامه های متنوعی داشته باشیم. نقاشی، ساخت کار دستی، دارت و درست کردن موشک کاغذی یا کشیدن کاریکاتور ترامپ از جمله کارهایی است که انجام می‌دهیم. هدفمان هم این بود که کودکان اوقات خوبی داشته باشند و برای حضور در اجتماع شبانه ترغیب شوند، همچنین خانواده ها با خیال راحت در برنامه حضور پیدا کنند.

● در زمان امتحانات هم در میدان حضور داشتی؟

حضور در این مراسم برای من همانند یک تکلیف اجتماعی شده و نمی‌خواهم از وظیفه‌ای که بر عهده دارم کوتاهی کنم؛ بنابراین سعی می‌کنم برنامه درسی ام را طوری تنظیم کنم که به درس هایم لطمه‌ای وارد نشود و بتوانم شب هادر مراسم شرکت کنم.

● واکنش دوستان و هم‌کلاسی‌هایت به حضورت در اجتماع چیست؟

بعضی از دوستانم خودشان در مراسم حضور دارند و بعضی دیگر فقط اخبار آن را دنبال می‌کنند. وقتی درباره برنامه ها و فعالیت های میدان با چند نفر از هم‌کلاسی هایم صحبت کردم با اینکه عقایدشان متفاوت بود، بعد از شنیدن توضیحاتم، در مراسم شرکت کردند.

دلیل است که می‌خواهم نشان دهم برای سرنوشت کشورم اهمیت قائلم و معتقدم تصمیم گیری درباره آینده ایران باید به دست مردمش باشد.

● این حضور برای تو چه حس و حالی دارد؟

وقتی پرچم کشورم را در دست می‌گیرم، احساس غرور می‌کنم. همچنین دیدن افراد سالمند که با وجود مشکلات جسمی در مراسم شرکت می‌کنند، برایم جالب و قابل احترام است. این صحنه ها حس تعلق و همبستگی بیشتری به من می‌دهد.

● چه فعالیت‌هایی در اجتماع مردمی داری؟

در بخش های مختلف برنامه مشارکت



نجمه موسوی زاده نوجوان شانزده ساله محله امام رضا^(ع) از اول صبح، برنامه های پیش را طوری تنظیم می‌کند که هم به درس و تکالیفش برسد و هم بتواند شب هادر اجتماع مردمی میدان امام خمینی^(ره) حضور داشته باشد. امیررضا کریمی، از اعضای پایگاه بسیج شهید نامجو مسجد حضرت محمد^(ص) است که از روز بعد شهادت قائمات اسلامی، بخش زیادی از اوقات فراغتش را در اجتماع مردمی گذرانده است. او تنها به تعداد انگشتان دست نتوانسته به اجتماع برود و بیش از نود شب در میدان بوده است.

امیررضا علاوه بر حضور در این اجتماع مردمی، در برخی فعالیت های فرهنگی نیز مشارکت دارد و تلاش کرده تعدادی از دوستانش را هم با خود همراه کند.

● در اجتماع همراه با چه افرادی حضور پیدا می‌کنی؟

بیشتر شب ها همراه دوستانم از پایگاه بسیج شهید نامجو به مراسم می‌آیم. معمولاً بین دوازده تا چهارده نفر هستیم و با هم در برنامه ها شرکت می‌کنیم. بعضی شب ها نیز همراه خانواده ام در اجتماع حضور دارم.

● هدف از حضور در اجتماع مردمی چیست؟

فکر می‌کنم هر فردی در قبال کشورش مسئولیت دارد. حضور من هم به این





رضایت نمازگزاران با پیگیری شهرآرامحله و اقدام اداره عمران و حمل‌ونقل منطقه ۸ جلب شد

مرمت پیاده‌رو مقابل مسجد ایزدی



بازخورد



نجمه موسوی‌زاده | احمد رضا احمدیان، رئیس شورای اجتماعی محله امام‌رضا^(ع)، در پیامی به شهرآرامحله، از وضعیت پیاده‌روهای شکسته در حدفاصل کوچه امام‌رضا ۳۳ و ۳۵ گلایه کرد و نوشت: «تصویری که می‌بینید، مربوط به پیاده‌رو شکسته مقابل مسجد ایزدی است. با توجه به اینکه سالمندان برای اقامه نماز و عبادت به مسجد می‌روند، امکان زمین خوردن آن‌ها بسیار زیاد است. لطفاً پیگیری کنید.»
با پیگیری شهرآرامحله و همکاری سبحان ضیایی، رئیس اداره عمران و حمل‌ونقل شهرداری منطقه ۸، پیاده‌رو مقابل مسجد مرمت شد تا مسیر تردد عابران پیاده، به ویژه سالمندان، ایمن شود.
بعد از مرمت پیاده‌رو خیابان امام‌رضا ۳۳ و ۳۵ تعدادی از نمازگزاران و رئیس شورای اجتماعی محله امام‌رضا^(ع) در پیامی از اقدام بموقع و سریع اداره عمران و حمل‌ونقل تشکر کردند.

با پیگیری شهرآرامحله و همکاری اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸ در محله امام‌رضا^(ع) انجام شد

زیبا کردن کوچه با هرس



بازخورد



نجمه موسوی‌زاده | یکی از شهروندان محله امام‌رضا^(ع)، در پیامی به شهرآرامحله، تصاویری از شمشاد‌های خیابان امام‌رضا ۶۷ ارسال کرده و خواستار هرس آن‌ها شده بود. او نوشته بود: «این شمشادها بسیار زیباست ولی برای حفظ زیبایی نیاز به هرس دارد؛ همچنین به دلیل رشد بی‌رویه جلوه بد پنجره خانه را گرفته است. پیگیری کنید.»
با انتقال این موضوع از سوی شهرآرامحله به مهدی مقدم، رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸، در بازه زمانی بسیار کوتاهی درخت هرس شد تا رضایت شهروندان کسب و زیبایی به کوچه بازگردد.
رئیس اداره فضای سبز توضیح داد: هرس درختان در برنامه این اداره قرار دارد، به ویژه در فصل بهار و بارویش گیاهان، هرس درختان و درختچه‌ها به طور ویژه انجام می‌شود. شهروندان می‌توانند از طریق ارتباط با اداره فضای سبز منطقه یا تماس با سامانه ۱۳۷ موارد را به ما اعلام کنند.

در پی تماس شهروندان با شهرآرامحله و همکاری اداره عمران منطقه ۸ انجام شد

ترمیم جدول شکسته در کوتاه‌ترین زمان



بازخورد



نجمه موسوی‌زاده | یکی از اهالی محله امام‌رضا^(ع)، در پیامی به شهرآرامحله از جدول شکسته تقاطع بین کوچه خرمشهر ۹ و ۱۱ گلایه کرده و نوشته بود: «نمایشگاه خودرو من در همین نزدیکی است. شاید حدود یک ماه است این جدول شکسته و باعث شده است رهگذران در همین قسمت آشغال بریزند. همچنین این جدول شکسته از نظر بصری نازیباست.»
با انتقال این پیام به رئیس اداره عمران و حمل‌ونقل شهرداری منطقه ۸، این مشکل در کمتر از سه روز با مرمت جدول برطرف شد تا رضایت شهروندان کسب شود.
سبحان ضیایی، رئیس اداره عمران و حمل‌ونقل شهرداری منطقه ۸، بیان کرد: کارشناسان این اداره به صورت هفتگی از معابر سطح منطقه بازدید می‌کنند تا مشکلاتی از جمله شکستگی جداول و سایر نواقص عمرانی را شناسایی و برای رفع آن‌ها اقدام کنند. بخشی از این موارد نیز از سوی شهروندان گزارش می‌شود که پس از بررسی، در اولویت بهسازی و مرمت قرار می‌گیرد.